

# فزونی و کاستی

بجشی نو  
از حقوق مدنی سویس

تقی لطفی  
وکیل دادگستری

## ۱ فزونی محاسبه فزونی

چنانکه گذشت، با انحلال نظم وحدت اموال تصفیة مالی نکاح آغاز می‌گردد و فایده این‌گونه تصفیة دوچیز است: رد مال به مالک یا صاحب حق (زن یا شوهر)، و دیگر کشف فزونی (یا کاستی).

بنابراین تصفیة مالی نکاح مستلزم یک رشته اعمال انحلالی مالی در موضوع «ثروت زناشویی» است، و تا آنجا دوام می‌یابد که معلوم شود آیا ثروت زناشویی فزونی دارد تا زن حصه‌ای ببرد؛ یا کاستی نشان می‌دهد که در این صورت بدستور قانون عمل شود.

بدیگر سخن، تصفیة مالی نکاح هم‌آغاز با انحلال ثروت زناشویی است. و انحلال در این اصطلاح حقوق مدنی سویس بمعنای زوال نیست، چنانکه در اصل نکاح و هنگام قطع رابطه زوجیت خطور به‌ذهن می‌کند، بلکه غرض این است که وحدت اقتصادی زن و شوی پایان رسیده، بستگی دارایی آندو از میان برخاسته، و از اینرو مجموعه اقتصادی ثروت زناشویی می‌باید اکنون پخش و تجزیه شود. — و نیز یادآوری این نکته بجاست که چون ثروت زناشویی ناشی از شرکت نبوده و هیچگونه اشاعه دارایی زن و مرد وجود نداشته، بنابراین در هنگام انحلال نظم وحدت اموال نیز هیچگونه تقسیم مورد پیدا نمی‌کند. باین دلیل ق.م. سویس از انحلال (ویا تجزیه) ثروت زناشویی نام می‌برد که مفهوم آن از هم‌گستن افراد (اموال معین) در مجموعه دارایی و بازگشت هر یک بدست مالک (زن یا شوهر) است. و این نخستین گام در راه تصفیة مالی نکاح است:

## انحلال ثروت زناشویی

انحلال ثروت زناشویی<sup>۱</sup> در متن ق.م. سوئیس تعریف نشده و وجود آن با عنوان حاشیة ماده ۲۱۲ همین قانون ثابت است. طرز انحلال ثروت زناشویی نیز صریح نیست، و حقوقدان باید آنرا با عنایت به حکمت دستورهای وابسته (ماده ۱۳۴، ۱۵۴، ۱۸۹ ق.م. سوئیس) و نیز عنوان یادشده استنباط کند، یا بهتر بگوییم، بتواند استنباط کند.

«انحلال ثروت زناشویی» پدیده خاص در میان مقررات مالی زناشویی سوئیس و لازمه آن «رد اموال» زن و شوهری است که نظم مالی آنها بسبب زایل گردیده؛ و از آنجا که در هر نوع انحلال (به فوت، طلاق، تغییر نظم مالی نکاح) عاملها و مقتضیات دیگری اندرکار است، قواعد تجزیه ثروت زناشویی نیز، مانند تصفیه مالی نکاح بطور کلی، نمی‌تواند در همه انواع انحلال یکسان باشد و بچند دلیل اصول مشابهی بر انحلال ثروت زناشویی حکومت نمی‌کند:

● انحلال ثروت زناشویی در مورد وفات زن یا شوهر مطیع مقرراتی است که واضح در خود نظم وحدت اموال (ماده ۲۱۲ تا ۲۱۴ ق.م. سوئیس) به لفظ آورده و براین احکام خصلت مالی نکاح مستولی است.

بند يك ماده ۲۱۲ ق. م. سوئیس می‌گوید: «چنانچه زوجه فوت کند، دارایی گردآورده زن با حفظ حقوق ارثی شوهر به ورثه زن می‌رسد.» و از این حکم باتوجه به عنوان حاشیة ماده برمی‌آید که انحلال ثروت زناشویی نوعی جداسازی<sup>۲</sup> دارایی دوطرف را ایجاب می‌کند؛ هر طرف تنها آن چیزی را باز می‌ستاند که «در لحظه مرگ زن گرد آورده تلقی می‌شده»<sup>۳</sup>.

مقصود از «حفظ حقوق ارثی» در بند يك ماده ۲۱۲ نامبرده بالا اشاره به احکام ماده ۴۶۲ تا ۴۶۴ ق.م. سوئیس است، بدین اجمال: چنانچه متوفی (در مورد بحث ما: زن) اخلاقی (اولاد و احفاد) از خود باقی‌گذارد، همسر بازمانده (شوهر) می‌تواند به انتخاب خود يك چهارم ترکه را بعنوان مالکیت بپذیرد یا نصف ترکه را مادام‌العمر به انتفاع خود گیرد؛ همسر بازمانده (در مورد بالا: شوهر) می‌تواند بجای انتفاع و به تناسب آن سالانه مطالبه کند؛ چنانچه همسر بازمانده ازدواج، یا برای مالکیت ورثه خطری بروز کند، باید در صورت درخواست ورثه به آنها تضمین بدهد. مثال: چنانچه زن فوت کند و وارثان او شوهر و دو فرزند باشند، يك چهارم ماترک به مالکیت شوهر درمی‌آید و از بقیه سهم هر فرزند

1) Die Auflösung des ehelichen Vermögens.

۲) و این تفکیک نیز، چنانکه در تصفیه مالی نکاح گذشت (همین مجله، ش ۱۲۳، ص ۱۷)، ممکن است فرضی و روی کاغذ یا واقعی، همراه با تصفیه ارث و تقسیم ترکه صورت پذیرد. بر همین نظر هگلین، ص ۱۱۹.

۳) گمور، ماده ۲۱۲، ش ۱۲.

سه‌هشتم خواهد بود (راه‌حل اول)؛ اگر شوهر انتفاع بر نصف ترکه را قبول کند (راه‌حل دوم)، مالکیت تمامی ترکه با دو فرزند و سهم هر یک نصف ترکه و نصف این نصف در انتفاع «شوهر» خواهد بود. - مورث می‌تواند حق انتخاب همسر خود (مالکیت یا انتفاع) را از راه وصیت بر طرف سازد.<sup>۴</sup>

«چنانچه شوهر فوت کند، زوجه دارایی گردآورده خود را که هنوز موجود است، پس می‌گیرد...» ماده ۲۱۳ ق.م.سویس. گردآورده شوهر و باقی ثروت زناشویی (مکتسبات معوض) ملك شوهر (متوفی) بوده، بنابراین در طرف او باقی می‌ماند تا تصفیه مالی نکاح پایان پذیرد. از اینرو زن نمی‌تواند بگوید که پس از رد گردآورده شوهر «باقی ثروت زناشویی» در دست او بماند، گویانکه این امر باتوجه به معنا و هدف نظم وحدت اموال و مصلحت خانواده راه‌حل درستی بنظر می‌رسید؛ بلکه انحلال ثروت زناشویی و تفکیک اموال دوسو در مورد فوت زن یا شوهر باید تابع اصول مشابه و همسان باشد تا در رد دارایی آنها تفاوت و تبعیضی رخ ندهد.

در هر دو صورت، چه زن فوت کند و چه مرد، هر طرف گردآورده خود را باز می‌ستاند؛ باقی ثروت زناشویی مال شوهر است و در سوی او باقی می‌ماند تا معلوم شود که در طی زوجیت فزونی پدید آمده یا نه. و اگر وجود فزونی ثابت شد، قانون به زن سهمی می‌دهد. و این نتیجه تصفیه مالی نکاح و در شمار حقوق مالی زناشویی اوست؛ سپس در هر دو حال «تصفیه ارث» عملی می‌شود.<sup>۵</sup>

● «چنانچه نکاح به طلاق لغو شود، ثروت زناشویی بی‌اتکابه نظم مالی زوجین به مال خود مرد و مال خود زن تجزیه می‌شود»، بند يك ماده ۱۵۴ ق.م.سویس.<sup>۶</sup>

تجزیه ثروت زناشویی در مورد طلاق بی‌اتکا به نظم مالی نکاح يك ویژگی حقوق مدنی سویس است.<sup>۷</sup> این اصل نوپدید معنا و مفهومی دارد. معنا این است که با وقوع طلاق و آغاز تصفیه، «قواعد و مقررات مالی نکاح، اعم از قانونی و

(۴) نگاهی نیز به همبرگر، ص ۱۴۲.

(۵) گمور، ماده ۲۱۳، ش ۱؛ اگر ماده ۲۱۳/۲۱۲، ش ۵؛ هکلین، ص ۱۱۸.

(۶) لفظ تجزیه در این حکم مورد انتقاد قرار گرفته، باین توضیح که تجزیه با نتیجه حکم، یعنی شناسایی وجود افزایی قبلی دارایی در دو عبارت «مال خود زن» و «مال خود مرد» سازگار نیست؛ و اگر بگویند سازگار است و تحصیل حاصل نشده، ناگزیر مرادف با «تقسیم» می‌گردد، و حال آنکه میان زن و شوهر شرکتی نبوده که اکنون تقسیم مورد پیدا کند. - نگاهی نیز به اگر، ماده ۱۵۴، ش ۴؛ ی. هوبر، ص ۱۶ ببعد و منابع نامبرده در آنجا.

(۷) در مورد عدم اعتبار نکاح (بطلان، عدم نفوذ) نیز همین اصل مستنبط از حکم بند يك ماده ۱۵۴ جاریست و تصفیه و تجزیه ثروت زناشویی بر طبق همین معیار رخ می‌دهد؛ بند ۲ ماده ۱۳۴ ق.م.سویس.

قراردادی، با توجه به بند يك و بخصوص بند سه ماده ۱۵۴ یاد شده از اثر می-  
افتد و بجای آنها «اصول و قواعد امری» بجزریان می افتد. - و در این حال فرض  
می شود که اصولا نکاحی وجود نداشته، آنگاه انحلال ثروت زناشویی وقوع می یابد.  
این فرض را در حقوق مدنی سویس به اصل عدم اتکای تصفیه به نظم مالی نکاح<sup>۹</sup>  
تعبیر کرده اند و از فروع این اصل یکی نیز همین «عدم اتکای انحلال ثروت  
زناشویی به نظم مالی نکاح» است.

«بی اتکایی تصفیه به نظم وحدت اموال» اثر طلاق است و برای آن وارد قانون  
شده که تصفیه امور مالی زن و شوهری که از یکدیگر جدا می شوند، در  
عین استقلال با مالک واحد و همسانی فیصله یابد. از اینرو «عدم اتکای  
تجزیه ثروت زناشویی به نظم وحدت اموال» امری جامع و کلی است، یعنی  
«تمام دارایی خود زن» و «تمام دارایی خود مرد» را دربرمی گیرد، نه اینکه محدود  
به بخشی از ثروت زناشویی باشد، چه در این صورت يك قسمت از دارایی مستقل  
از نظم و قسمت دیگر برطبق مقررات نظم مالی نکاح تصفیه می شد.<sup>۱۰</sup>

«اصل استقلال تصفیه مالی طلاق» در قلمرو خود به گذشته باز می گردد و به  
این اعتبار (شکلی عطف بماسبق) از گذشته<sup>۱۱</sup> و از موقع حلول نظم وحدت اموال  
اثر آغاز می کند. بنابراین در موقع انحلال ثروت زناشویی و احراز وصف هر مال  
معین در این مجموعه، منشا یا مبداء و منبع مال اهمیت می یابد و رابطه بعدی مالی  
زناشویی در این میان ملحوظ نیست. بعبارت دیگر، مناط «گردآوری» مال است؛  
یعنی هر يك از زن و شوهر اموالی را که در آن لحظه گردآورده بود، اکنون پس  
می گیرد.<sup>۱۲</sup> و این در بند يك ماده ۱۵۴ یاد شده صریح نیست، بلکه مفهوم و نیازمند  
به استنباط است.

دیگر اینکه در مورد طلاق برای هیچیک از زن و مرد «حقوق ارثی قانونی»  
وجود نخواهد داشت. در نتیجه «حق انتفاع همسر طلاق داده شده» باقتباس از حکم  
ماده ۴۶۲ ق.م. سویس که چگونگی آن گذشت، در اینجا امکان پذیر نیست و زن و مرد  
را از این حیث بر یکدیگر حقی نمی تواند باشد.<sup>۱۳</sup>  
«فکر استقلال تجزیه ثروت زناشویی در طلاق» از انتقاد پری نمانده و در  
توجیه آن نیز نظرها مختلف است. آنکه اصل استقلال تصفیه را سزاوار جدایی  
می دانند.<sup>۱۴</sup> به «اشتباه در جهت و علت عقد» توجه می کنند و منظور اوست که

۸) نوعی تبدیل و یا انتقال حکمی (Zession) که لانگ (پایان نامه، ص  
۲۴) نیز بدان اشاره می کند. - رویه قضایی مدنی نویس، بخش چهارم، سال  
۱۹۱۵، ش ۱۴۰.

9) Die Unabhängigkeit der Liquidation vom ehelichen  
Güterstand.

۱۰) ی. هوبر، ص ۷، ۱۰ و ۱۵.

11) ex tunc.

۱۲) کمور، ش ۵ و اگر ش ۴، ماده ۱۵۴.

۱۳) توادر، ص ۱۴۵.

۱۴) ی. هوبر، ص ۷.

«قرارداد مالی زناشویی» که زن و مردی باهم بسته‌اند، در صورت طلاق نباید به بعد از لحظه انعقاد سرایت کند، چون «در موقع انعقاد قرارداد مالی زناشویی یک سو (زن یا شوهر) در یکی از انگیزه‌های اصلی در اشتباه بوده است.» - و در پاسخ گفته‌اند که طلاق نیز خود حقیقتی است و می‌توان آنرا در لحظه ازدواج در پیش چشم داشت. از اینرو در هنگام وقوع طلاق نمی‌توان از «اشتباه در مبانی و ارکان» سخنی گفت. ولی از آنجا که توجه به طلاق در همان لحظه وقوع نکاح و یا انعقاد قرارداد مالی زناشویی، با قاعده اخلاقی معارض است، قانونگذار خود راه برای گونه تاملات و بااحتمال دامگسترده و سودجویی بسته و احکام نظم وحدت اموال یا قرارداد مالی زناشویی دو طرف را در این مورد بی‌اثر ساخته، بجای آنها «قواعد آمره» وضع نموده که جای هردستور و پیمانی را می‌گیرد.<sup>۱۵</sup>

● تجزیه ثروت زناشویی بسبب تغییر نظم وحدت اموال زیر تأثیر يك عامل اساسی است: «چنانچه در طی نکاح جدایی اموال رخ دهد، ثروت زناشویی با حفظ حقوق طلبکاران به مال خود مرد و مال خود زن تجزیه می‌شود، بندیک ماده ۱۸۹ ق.م. سويس ۱۶. در اینجا ثروت زناشویی در حالی تجزیه می‌شود که علقه زوجیت همچنان باقی است. و فرق است میان تصفیه در خلال نکاح و تصفیه در زوال نکاح - در نتیجه زن بر طبق قاعده نمی‌تواند بطرفیت شوهر، یا شوهر بطرفیت همسر خود، برای تصفیه و انحلال ثروت زناشویی اجراییه صادر کند؛<sup>۱۷</sup> در صورتی که در مورد انحلال ثروت زناشویی به وفات یا طلاق توسل به اجراییه به‌مانمی بر نمی‌خورد.

\*\*\*

انحلال کامل ثروت زناشویی شرط لازم کشف فزونی است. برای آنکه انحلال ثروت مزبور به‌کمال خود برسد، نخست باید دید که گردآورده چه دامنه‌ای دارد، دین و عهده و ذمه‌های موجود چگونه پاك می‌شود، و پس از این دو مرحله آیا از

(۱۵) لانگ، پایان‌نامه، ص ۳۸، پاورقی ۱.  
(۱۶) موارد «جدایی اموال» میان زن و شوهری که تا زمانی بطرز وحدت اموال می‌زیسته‌اند، در ماده ۱۸۲ تا ۱۸۵ ق.م. سويس ذکر شده و بطور خلاصه راجع است به «جدایی اموال قانونی» بسبب ورشکستگی زن یا مرد، و «جدایی اموال قضایی» به درخواست زن یا شوهر در موارد مخصوص. شرح تطبیقی انواع و موارد جدایی اموال بیشتر در همین مجله، ش ۸۵، ص ۸۷ بعد آمده است.

(۱۷) کاپلر، ص ۳۹ بعد. - ولی در کلیت این نتیجه بحث است، چه بند يك ماده ۱۷۶ ق.م. سويس صدور اجراییه بمنظور تحقق جدایی اموال در خلال نکاح را برسپیل استثنای جایز می‌شمارد. اما موضوع بحث ما وسعت بیشتری دارد و در آن چند عنوان دیده می‌شود که رابطه آنها با یکدیگر نیازمند به بررسی است: تحقق جدایی اموال در طی نکاح، تحقق دیگر نظمهای مالی در خلال نکاح، اجراییه برای تحقق نظم نو (جدایی اموال، شرکت در اموال یا جز آنها)، و دیگر اجراییه برای انحلال و یا تجزیه ثروت زناشویی که موشکافی در آنها از حوصله این مقال بیرون است.

ثروت زناشویی چیزی باقی می‌ماند یا نه. اگر باقیمانده‌ای هست، بطور قطع مکتسبات معوض دوران زناشویی است. و آیا چنین مکتسباتی «فزون‌سازی» هست یا نه...

### تعیین دامنه گردآورده

بدیهی است که گردآورده زن یا گردآورده مرد مال بسیط و یک پارچه نیست. بلکه نوعی دارایی است که تشکیل آن در بدو نکاح برای نیل به هدف اقتصادی خاصی بوده، و چه بسا اکنون در لحظه انحلال مرکب از «اموال پراکنده و گوناگون» باشد. بر همین قیاس چگونگی احراز ارزش افراد این مجموعه با یکدیگر تفاوت می‌کند؛ و گذشته از این، ارزش یک مال معین نیز همیشه یکسان نمی‌ماند. برای آنکه «دامنه واقعی گردآورده»<sup>۱۸</sup> در لحظه انحلال ثروت زناشویی به درستی و اطمینان معلوم شود، باید دارایی بدقت ارزیابی و ذربرآورد آن به دعاوی و مطالبات و همچنین بیمه‌ها توجه کافی شود:

### برآورد گردآورده

آیا ارزش یک مال گردآورده در فاصله میان وقوع نکاح (و یا استقرار نظم وحدت اموال) و انحلال این نظم تغییری نموده یا نه؟ آیا این تغییر حکایت از افزایش می‌کند یا کاهش؟ آیا افزوده شدن ارزش اتفاقی بوده یا به‌زای خرج و زحمتی رخ داده است؟ افزایش یا کاهش ارزش با توجه به مالکیت (زن) و انتفاع (شوهر) و تکلیف مرد در اداره ثروت زناشویی نصیب چه کسی و داخل در چه نوع دارایی می‌شود؟

ق.م. سویسی در مورد نوسان ارزش گردآورده اصل و قاعده کلی بدست نمی‌دهد، بعلمت آنکه شیوه قانون‌نویسی سویسی می‌طلبد که در این موضوع از شناسایی چنان اصل و قاعده‌ای صرف‌نظر شود. از اینرو وقتی می‌گویند که در هنگام محاسبه و تعیین تکلیف اموال «بطور کلی ارزش فعلی» گردآورده مناسبت کارست، خواه در فاصله میان لحظه گردآوری مال و زمان انحلال ثروت زناشویی ارزش گردآورده تغییر کرده یا نکرده باشد<sup>۱۹</sup>، این کلیت بی‌دلیل و نادرست است و باید موارد را از هم تمیز داد و توسن فکر حقوقدان را در گردش و تکاپوی خود آزاد گذاشت.

۱۸) تعریف گردآورده و اینکه چه مالی می‌تواند گردآورده باشد، بیشتر در همین مجله ش. ۸۱، ص ۲۵ تا ۳۶ و ش ۱۲۲ ص ۳۵ آمده است؛ اکنون در موقع انحلال ثروت زناشویی بررسی می‌شود که آیا برای این پایه گردآورده‌ای هست یا نه، و کدام مال گردآورده است.  
۱۹) اگر، ماده ۲۱۴، ش ۶.

**افزایش ارزش گردآورده ممکن است اتفاقی بوده و در ازای کار و زحمت و یا** عوضی رخ نداده باشد، در این صورت به مالک عین و اصل مال (زن یا شوهر) تعلق خواهد یافت. این حکم متکی بر اصل مالکیت و مفهوم بند يك ماده ۱۹۵ ق.م.سویس است که آنچه «در طی نکاح در نتیجه ارث یا بنحوی دیگر بیعوض» به زن برسد، گردآورده او می‌شمارد. - گردآورده شوهر نیز بر وفق همین تعریف بشیوه همانندی<sup>۲۰</sup> سنجیده می‌شود. در مورد گردآورده زن گذشته از آنکه مالکیت وی چنان اقتضا می‌کند، مرد نیز بسمت مدیر منتفع در تحصیل این افزایش کاری و خرجی نکرده و بهای گردآورده خود بخود بالا رفته، از اینرو حقی بر این ترقی قیمت ندارد و اضافه بها مال خود زن خواهد بود<sup>۲۱</sup>.

ولی اگر افزایش ارزش گردآورده زن مبنی بر فعالیت شوهر یا خرج و هزینه او «پیش از حد اداره عادی» باشد، مثل اینکه گردآورده زن خانه‌ای بود و در اثر تغییرهای گوناگون که مرد در آن داده، قیمت آن بالا رفته باشد، در این صورت افزایش ارزش گردآورده زن مال شوهر (منتفع) است. ولی این‌گونه افزایش وارد گردآورده مرد نمی‌شود که بنام خود از ثروت زناشویی بردارد، بلکه جزو باقی ثروت زناشویی، یعنی مکتسبات معوض بحساب می‌آید. البته مکتسبات معوض هم ملک شوهر است. ولی فرق قضیه در این است که وقتی این‌گونه ترقی بهای گردآورده، مال اکتسابی معوض دوران زوجیت تلقی شد، می‌تواند فزونی‌ساز باشد؛ و در نتیجه اگر مکتسبات معوض که شامل این افزایش بهای گردآورده زن هست، در ختام تصفیه فزونی نشان داد، حصه‌ای از این فزونی به زن می‌رسد. بنابراین در این تغییر وصف مال، اینکه اضافه ارزش گردآورده زن به کدام نوع دارایی مرد داخل شود، زن غیر مستقیم نفعی دارد<sup>۲۲</sup>.

**کاهش ارزش گردآورده تابع اشاره قانون و حکم آن استنباطی است.** ماده ۲۰۱ ق.م.سویس در بند يك می‌گوید: «شوهر انتفاع بردارایی گردآورده زن را داراست و از اینجا مانند منتفع مسئول است»<sup>۲۳</sup>. و بر طبق بند يك ماده ۷۵۲ ق.م.سویس «منتفع تا آنجا مسئول تلف و کسر بهای شی است که ثابت نکند که این خسارت بی‌تقصیر او وقوع یافته است.» «کسر بهای شی» موضوع انتفاع شامل کاهش ارزش گردآورده زن نیز می‌شود، ولی شرط این است که این کسر قیمت یا کاهش ارزش گردآورده به تقصیر شوهر حادث شده باشد. در این حالت مسئول کسر و کاهش خود او، یعنی منتفع است و بعهده زن (مالک گردآورده) نیست. و زن باندازه همین خسارت از مرد طلب خواهد داشت. این طلب نیز جزو گردآورده است، بند ۱ ماده

#### 20) Analogie

- (۲۱) گمور، ماده ۲۱۴، ش ۱۹؛ اگر، ماده ۲۱۲ و ۲۱۳، ش ۵؛ هکلین، ص ۳۵ ببعده؛ دینر، ص ۱۳.  
(۲۲) گمور، ماده ۲۱۴، ش ۲۰؛ هکلین، ص ۳۷ ببعده؛ دینر، ص ۱۳ ببعده.  
(۲۳) شرح و تطبیق حق انتفاع شوهر از گردآورده زن و رابطه آن با اصول و قواعد اختصاصی حق انتفاع در همین مجله، ش ۸۶، ص ۲۱ ببعده.

۲۰۱ + بند ۱ ماده ۷۵۲ ق.م.سویس.

ولی هرگاه کاهش ارزش ناشی از استعمال بقاعده شی باشد، چنانکه گردآورده میل بوده و فرسوده شده، این نقصان بمعده مالك مال، یعنی خود زن است و این معنا از بند سوم ماده ۷۵۲ ق.م.سویس استفاده می‌شود که منتفع را مکلف به جبران «کسریهای اشیا که بواسطه استعمال منظم شی واقع شده باشد، نمی‌سازد. در این مورد تقصیر مرد منتفی است. و البته این قاعده مورد انتقاد قرار گرفته ۲۴، چه اگر در پایان تصفیه مالی نکاح فزونی حاصل شود، شاید سهم زن از این فزونی نتواند این‌گونه نقصانها و انحطاط مالی را جبران‌کنند، و این چنین قاعده از «فزون‌آوری» دارایی می‌کاهد و هم نقض غرض می‌کند.

\*

\*\*

بنابراینچه گذشت، وضع حقوقی زن و شوهر و چگونگی رابطه هر یک از آندو با انواع مال در مجموعه ثروت زناشویی باتوجه به فلسفه و فایده وحدت اقتصادی در قلمرو زناشویی، حق و تکلیف مرد در اداره و انتفاع، و نیز باتوجه به غایت نظم و ویژگیهایی می‌پذیرد، و این مراتب در انحلال ثروت زناشویی و رد مال اثر می‌گذارد. چندانکه دیگر نمی‌توان گفت هرگونه نوسان ارزش هرگونه مال در هر حال متوجه مالك است. و می‌باید فرق گذاشت میان ارزش اصلی مال و افزایش یا کاهش آن. حکم این دو یکی نیست. و عدالت و انصاف نیز این فکر را تأیید می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی